

ایران ورزشی

مباحبه

فدراسیون در قبال توسعه فوتبال پایه و زیرساخت ها متغفل است

فربادشیران: حق رشد بازیکنان کجا هزینه می شود؟

نادر فربادشیران، پیشکسوت فوتبال ایران، درباره برخی ابهامات مالی در فوتبال و ضرورت نظارت بر درآمدهای حاصل از حق رشد و درصد قرارداد بازیکنان و مربیان گفت: «فوتبال دالان‌های پیچیده و ناشناخته زیادی دارد و تعجب من این است که چرا نهادهای نظارتی، سازمان بازرسی و حتی قوه قضائیه به برخی مواردی که باید شفاف شود، بحث حق رشد یا درصدی است که از قرارداد بازیکنان و مربیان دریافت می‌شود. باید مشخص باشد این مبالغ کجا هزینه می‌شود و آیا بخشی از آن به توسعه زیرساخت‌ها و فوتبال پایه اختصاص پیدا می‌کند یا خیر.»

وی ادامه داد: «اگر این درآمد‌ها واقعاً صرف توسعه فوتبال می‌شود، باید آثار آن را در شهرهایی مثل تهران ببینیم. تهران با این جمعیت، علاقه‌مندی و ظرفیت فوتبالی، امروز تعداد بسیار محدودی تیم در سطح اول فوتبال کشور دارد. زمانی بیش از ۲۰ باشگاه فعال و ریشه‌دار در تهران داشتیم که در لیگ برتر و لیگ یک حضور داشتند، اما بسیاری از آنها دیگر وجود خارجی ندارند.»

فربادشیران افزود: «راه‌آهن، بانک ملی، دارایی، اقبال، عقاب، پاس و نفت تهران و بسیاری از تیم‌های دیگر بخشی از تاریخ فوتبال تهران بودند. حتی مجموعه‌هایی که امکانات و سابقه مناسبی داشتند، به مرور از فوتبال حذف شدند. سؤال این است که در این سال‌ها چه میزان برای حفظ و توسعه زیرساخت‌های فوتبال تهران و شهرستان‌ها هزینه شده است؟»

پیشکسوت فوتبال ایران با انتقاد از نبود گزارش‌های شفاف مالی گفت: «آیا تا امروز یک بیان مشخص از سوی فدراسیون فوتبال یا سازمان لیگ منتشر شده که نشان دهد درآمد حاصل از جرایم میلیاردری بازیکنان و باشگاه‌ها دقیقاً کجا هزینه شده است؟ ما حتی در مواردی شاهد هستیم بازیکنی که تخلف سنگینی انجام داده، محرومیت لازم را هم دریافت نمی‌کند. بنابراین طبیعی است که درباره نحوه هزینه‌کرد این منابع سؤال وجود داشته باشد.»

وی درباره وضعیت آکادمی‌های فوتبال نیز گفت: «من و برادرم سال‌ها در استقلال با فوتبال پایه درگیر بود‌ام و زمانی مسئول آکادمی این باشگاه بودم. در آن دوره تیم امید استقلال قهرمان شد. امروز نیز بارها تأکید کرده‌ایم که آکادمی‌ها باید تحت نظارت و سازماندهی مشخص فعالیت کنند. استقلال به این زمینه تلاش کرده به آکادمی‌هایی که با نام این باشگاه فعالیت می‌کنند مجوز رسمی بدهد و بر عملکرد آنها نظارت داشته باشد.» فربادشیران تأکید کرد: «این نظارت باید جدی باشد، چون پای فرزندان خانواده‌ها در میان است و نباید اجازه داد از نظر مالی، روحی یا روانی آسیبی به آنها وارد شود. در فولاد و سپاهان نیز اقداماتی در این زمینه انجام شده، اما این روند باید در سراسر کشور گسترش پیدا کند.» وی در پایان گفت: «فدراسیون فوتبال در زمینه فوتبال پایه و آکادمی‌ها شفاف عمل کرده و برنامه مشخص و جامعی برای آینده ندارد. خانواده‌ها برای حضور فرزندانشان در مسابقات باید هزینه‌های مختلفی مانند اجاره زمین، آمبولانس، شهریه و هزینه داورى را پرداخت کنند. این هزینه‌ها فشار زیادی به خانواده‌ها وارد می‌کند. حداقل انتظار این است که فدراسیون یک سیستم شفاف ایجاد کند تا مشخص باشد چه مبالغی از تیم‌ها و آکادمی‌ها دریافت می‌شود و درآمدهایی مانند حق رشد و سایر وجوه دریافتی دقیقاً در چه مسیری هزینه می‌شوند.»

سوت حساب کشی

یادداشت

حامد حسینی

خیرنگار

فوتبال ایران سال‌هاست با مطالبه‌ای جدی به نام شفافیت مالی روبه‌روست؛ مطالبه‌ای که تنها به قرارداد‌های چندپایه یا چندصدد میلیاردری بازیکنان و مربیان محدود نمی‌شود، بلکه تمام منابع درآمدی مرتبط با فوتبال را در برمی‌گیرد. یکی از این منابع، کارمزدی است که هیأت‌های فوتبال از قرارداد بازیکنان یا برخی خدمات و فریندهای اداری دریافت می‌کنند؛ درآمدی که اصل دریافت آن، اگر بر اساس قوانین و ضوابط مصوب باشد از نظر حقوقی و قانونی محل ایراد نیست. اما مسأله اصلی از جایی آغاز می‌شود که درباره میزان این درآمد‌ها، محل هزینه‌کرد و آثار آن بر توسعه فوتبال، اطلاع‌رسانی شفاف و مستندی

- صاحب امتیاز: خیرنگاری جمهوری اسلامی**
- محرر: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران**
- رئیس هیات مدیره: صادق حسین جباری انصاری**
- مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان**
- سرمدیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین**
- سرمدیر ایران ورزشی: علی جوادی**
- تلفن: ۱۴۰۴۱۳۰۱۳۰ • نمایر: ۸۴۷۱۱۱۳۳**
- چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم**
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷۰ • ۸۸۵۵۱۳۰۵ - ۸۸۷۴۶۵۸۳**
- امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ • ۸۸۷۴۱۹۵۴**
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵**

ضرورت شفاف‌سازی در دریافت کارمزد ثبت قرارداد فوتبال‌یست‌ها در هیأت‌های فوتبال کشور

درآمدهای نجومی سرگردان در هاله ابهام!

می‌توان آنها را به‌عنوان هزینه ارائه خدمات اداری توجیه کرد.

اما نوع دوم، یعنی کسر درصدی از مبلغ قرارداد بازیکن، محل اصلی مناقشه است. این کسر در برخی استان‌ها و رده‌های مختلف با عناوینی مانند «سهم توسعه فوتبال استان» یا مشارکت در هزینه‌های جاری هیأت توجیه می‌شود، اما پرسش اساسی همچنان پابرجاست: اگر این مبلغ سهمی قانونی و رسمی است، چرا میزان آن، مبنای محاسبه و محل هزینه‌کردش به‌صورت شفاف و یکپارچه در اختیار بازیکنان و افکار عمومی قرار نمی‌گیرد؟

این ابهام زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم در لیگ‌های پایین‌تر، بخش قابل‌توجهی از قرارداد‌ها رقم‌های چندان بالایی ندارند و هر مبلغ کسرشده می‌تواند سهم قابل‌توجهی از درآمد یک بازیکن باشد. بازیکنی که برای ثبت قرارداد خود ناچار به پرداخت مبلغی است، حق دارد بداند این پول دقیقاً بابت چه خدمتی دریافت می‌شود و مستند قانونی آن چیست. در چنین شرایطی، مسأله صرفاً چند درصد یا چند میلیون تومان نیست؛ موضوع اصلی، شفافیت مالی در ساختاری است که بازیکن برای رسمی شدن قراردادش عملاً امکان انتخاب یا امتناع از آن را ندارد. طبق آنچه مسئولان هیأت‌های فوتبال استانی و فدراسیون در موارد مشابه اعلام کرده‌اند، منابع حاصل از این دریافت‌ها را می‌توان در چند دسته اصلی طبقه‌بندی کرد: هرچند نبود گزارش‌های مالی منظم و قابل‌دسترس، همچنان امکان ارزیابی دقیق میزان و نحوه هزینه‌کرد آنها را محدود می‌کند.

جایگاه هیأت‌های فوتبال استان در ساختار ثبت قرارداد

هیأت فوتبال استان در سراسر کشور، به‌عنوان بخشی از ساختار فدراسیون فوتبال، مسئولیت‌هایی از جمله توسعه فوتبال پایه، برگزاری مسابقات محلی و ثبت رسمی قرارداد بازیکنان باشگاه‌های همان استان را بر عهده دارد. بر اساس دستورالعمل‌های ابلاغی سازمان لیگ به باشگاه‌ها، مدارک هویتی و قراردادی بازیکنان باید ابتدا در هیأت فوتبال استان ثبت و سپس همراه با قرارداد به سازمان لیگ ارسال شود.

به بیان ساده‌تر، هیأت فوتبال استان اولین ایستگاه رسمی برای ثبت قرارداد یک بازیکن است و همین جایگاه، مبنای دریافت برخی هزینه‌ها از باشگاه یا بازیکن قرار گرفته است. اما نقطه حساس ماجرا از جایی آغاز می‌شود که «هزینه ثبت» از یک مبلغ مشخص اداری فراتر رفته و به درصدی از ارزش قرارداد تبدیل می‌شود. این رویه البته مختص فوتبال نیست. برای نمونه، در والیبال، فدراسیون به‌صراحت اعلام کرده سهم ۱۰ درصدی خود از کل مبلغ قرارداد بازیکنان لیگ برتر مردان و زنان باید بدون کسر یا تعلیل پرداخت شود. این نمونه نشان می‌دهد دریافت درصدی از قرارداد ورزشکاران حرفه‌ای در ساختار ورزش ایران مسیوق به سابقه است؛ اما تفاوت مهم فوتبال در نبود یک چهارچوب شفاف و یکسان برای اعلام میزان و محل هزینه‌کرد این مبالغ است.

بخش دیگری از دریافتی‌ها، بنا بر اعلام هیأت‌ها، صرف پرداخت تستمزد داوران، ناظران مسابقات و اعضای کمیته‌های انضباطی و اخلاقی در سطح استان می‌شود. این هزینه‌ها نیز بخشی از الزامات برگزاری مسابقات هستند، اما مشخص نیست در همه استان‌ها، رابطه مستقیمی میان مبلغ دریافت‌شده از قرارداد بازیکن و هزینه واقعی این خدمات وجود دارد یا خیر.

از رویه اجرایی هیأت‌های فوتبال استان می‌توان میان دو نوع دریافت تفکیک قائل شد. اول، هزینه‌های اداری و کارمزد ثبت قرارداد است؛ مبالغی که بابت خدماتی مانند صدور کارت، تأیید مدارک، امور پزشکی، بیمه ورزشی و ثبت اطلاعات در سامانه دریافت می‌شود. این هزینه‌ها معمولاً مبلغی ثابت دارند و طبیعتاً

اعلام‌آمادگی هیأت فوتبال استان تهران برای شفاف سازی کارمزد ثبت قراردادها

نحوه هزینه‌کرد مبالغی که هیأت‌های فوتبال هنگام ثبت قرارداد بازیکنان دریافت می‌کنند، موضوع بحث برانگیز میان بازیکنان و رسانه‌های ورزشی شده است. بر اساس مقررات، هیأت‌های فوتبال مبالغی را به‌عنوان هزینه ثبت قرارداد یا حق خروج از استان دریافت می‌کنند؛

مبالغی که میزان آن متناسب با شرایط قرارداد تعیین می‌شود. ایران ورزشی در تماس با دفتردبیرکل هیأت فوتبال استان تهران تلاش کرد تا جزئیات این مبالغ و محل هزینه‌کرد آنها را روشن کند؛ اما به دلیل برگزاری جلسه‌ای، امکان گفت‌وگوی مستقیم فراهم نشد.

مسئولان هیأت فوتبال استان تهران قول دادند در صورت امکان، توضیحاتی درباره این موضوع ارائه دهند. کارشناسان معتقدند که شفاف‌سازی نحوه هزینه‌کرد این مبالغ، به‌ویژه برای بازیکنان و لیگ‌های رده‌های پایین، می‌تواند به تقویت اعتماد جامعه فوتبال کمک کند.



خیرنگار

نبود سقف قرارداد و اثر آن بر کسورات

یکی دیگر از عواملی که ابهام در میزان و مبنای کسورات هیأت‌های فوتبال استان‌ها را تشدید می‌کند، بی‌ثباتی مقررات مربوط به سقف قرارداد بازیکنان است. طبق گزارش‌ها، فدراسیون فوتبال در فصل‌های اخیر گاه سیاست «سقف قرارداد» را اجرا کرده و گاه آن را کنار گذاشته است. در برخی تحلیل‌ها نیز تأکید شده که با حذف سقف قرارداد، عملاً محدودیت مؤثری برای افزایش ارقام قرارداد‌ها وجود نداشته و همین مسأله زمینه رشد بی‌ضابطه هزینه‌های باشگاه‌ها را فراهم کرده است. این نوسان وقتی سقفی برای قرارداد وجود ندارد، با امکان دور زدن آن فراهم است، مبنای محاسبه کارمزد و سهم هیأت استان نیز بیش از گذشته به رقم قراردادی وابسته می‌شود که میان باشگاه و بازیکن توافق شده؛ رقمی که در برخی موارد ممکن است تمام ابعاد مالی توافقی را منعکس نکند و از دسترس نهادهای نظارتی و افکار عمومی دور بماند. از سوی دیگر، در فصل جاری، فدراسیون فوتبال با توجه به شرایط خاص کشور، مصوبه‌ای موقت صادر کرده که بر اساس آن، باشگاه‌های لیگ برتر تنها موظف به پرداخت حداکثر ۷۵ درصد مبلغ مندرج در قرارداد بازیکنان هستند. بر اساس همین مصوبه، بازیکنانی که کمتر از این میزان را دریافت کنند، در صورت وجود شرایط مقرر، حق فسخ قرارداد را خواهند داشت. چنین تغییراتی در شیوه تسویه‌حساب باشگاه‌ها با بازیکنان، پرسش دیگری را نیز درباره کسورات هیأت‌های استانی ایجاد می‌کند: مبنای محاسبه این کسورات، رقم کامل قرارداد است یا مبلغی که واقعاً به بازیکن پرداخت می‌شود؟

بیانیه‌های متقابل، یکدیگر را به اتلاف منابع عمومی متهم کرده‌اند. این فضای کلی بی‌اعتمادی مالی، طبیعتاً بر نگاه افکار عمومی به عملکرد هیأت‌های فوتبال استان‌ها نیز اثر می‌گذارد. وقتی یک هیأت استانی از بازیکن یا باشگاه مبلغی تحت عنوان کارمزد یا سهم دریافت می‌کند، انتظار دبهی این است که میزان درآمد و محل هزینه‌کرد آن در گزارش‌های مالی رسمی و قابل‌دسترس اعلام شود. در غیر این صورت، بازیکنان و رسانه‌ها عملاً ابزار مؤثری برای رصد مسیر این منابع نخواهند داشت. در مجموع، کسر درصدی از قرارداد بازیکنان توسط هیأت‌های فوتبال استان، رویه‌ای جاری در ساختار فوتبال ایران است که با ضرورت ثبت رسمی قرارداد‌ها نزد این نهاده‌ا پیوند خورده است. توجیه این کسورات، معمولاً با عنوان «سهم هزینه‌های اداری هیأت، حمایت از فوتبال پایه، پرداخت حق الزحمه داوران و ناظران و کمک به توسعه فوتبال استان‌ها یا تقسیم بخشی از درآمد تبلیغات محلی سازمان لیگ میان فدراسیون، سازمان لیگ و هیأت‌های استانی مشاهده کرد.

این حوزه را در هاله‌ای از ابهام نگه داشته است؛ اول، نبود گزارش مالی علنی و منظم درباره میزان کسورات و نحوه هزینه‌کرد آنها؛ دوم، رواج قرارداد‌های موازی و پرداخت‌های خارج از قرارداد رسمی که می‌تواند مبنای محاسبه کسورات را از واقعیت مالی قرارداد دور کند و سوم، بی‌ثباتی مقررات سقف قرارداد و شیوه تسویه‌حساب باشگاه‌ها که هر فصل با تغییراتی تازه مواجه می‌شود.

تا زمانی که فدراسیون فوتبال و هیأت‌های استانی، همانند نمونه شفاف‌تر فدراسیون والیبال، میزان دقیق دریافتی‌ها، مبنای قانونی آنها و مقصد هزینه‌کرد این منابع را به‌صورت عمومی و قابل‌راستی‌آزمایی منتشر نکنند، پرسش ساده اما اساسی بازیکنان همچنان پابرجا خواهد ماند: «پولی که از قرارداد ما کسر می‌شود، دقیقاً کجا و چگونه هزینه می‌شود؟»

فوتبال ایران نیازمند شفافیت مستمر است

نگاه

صادق رئیسی‌کیا

کارشناس مدیریت ورزش

سپرده‌های بانکی، توافق با اپراتورهای تلفن همراه، جرایم انضباطی صادرشده، خدمات پزشکی و سود شرکت‌های تابعه سازمان فدراسیون نیز نیازمند اعلام دقیق هستند. همچنین تراکنش‌های الی‌المللی و نقل‌وانتقالات، از جمله درآمد‌های ارزی، سهم فدراسیون از خرید و فروش باشگاه‌ها و حق رشد بازیکنان، باید در چهارچوبی روشن قرار گیرند. اما شفافیت یک‌طرفه نیست؛ همان‌قدر که اعلام درآمد‌ها اهمیت دارد، روشن ساختن نحوه هزینه‌کرد آنها نیز حیاتی است. نمی‌توان مدعی شفافیت بود اما درباره محل خرج‌کرد منابع مالی سکوت کرد. علاوه بر ابعاد مالی، شفافیت اداری و انسانی نیز اهمیت بالایی دارد. ارزیابی سطح تحصیلات، تخصص و شایستگی مدیران و کارکنان، در کنار شفاف‌سازی ضوابط استخدام و مقررات نقل‌وانتقالات، مانع از تعارض منافع و تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای می‌شود. بخش مهم دیگری از حرفه‌ای‌گری در فوتبال به حوزه مالیات بازمی‌گردد. توصیه

سپرده‌های بانکی، توافق با اپراتورهای تلفن همراه، جرایم انضباطی صادرشده، خدمات پزشکی و سود شرکت‌های تابعه سازمان فدراسیون نیز نیازمند اعلام دقیق هستند. همچنین تراکنش‌های الی‌المللی و نقل‌وانتقالات، از جمله درآمد‌های ارزی، سهم فدراسیون از خرید و فروش باشگاه‌ها و حق رشد بازیکنان، باید در چهارچوبی روشن قرار گیرند. اما شفافیت یک‌طرفه نیست؛ همان‌قدر که اعلام درآمد‌ها اهمیت دارد، روشن ساختن نحوه هزینه‌کرد آنها نیز حیاتی است. نمی‌توان مدعی شفافیت بود اما درباره محل خرج‌کرد منابع مالی سکوت کرد. علاوه بر ابعاد مالی، شفافیت اداری و انسانی نیز اهمیت بالایی دارد. ارزیابی سطح تحصیلات، تخصص و شایستگی مدیران و کارکنان، در کنار شفاف‌سازی ضوابط استخدام و مقررات نقل‌وانتقالات، مانع از تعارض منافع و تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای می‌شود. بخش مهم دیگری از حرفه‌ای‌گری در فوتبال به حوزه مالیات بازمی‌گردد. توصیه

می‌شود بازیکنان و مربیان با ارائه نسخه اصلی قرارداد به میزان مالیاتی، تنظیم به موقع اظهارنامه‌ها، پرداخت دقیق مالیات و اخذ مفاصحاسب، به شکل‌گیری این ساختار شفاف کمک کنند. دسترس‌پذیری اطلاعات تنها ابزاری برای افشاکری نیست، بلکه کارکرد‌های بنیادی‌تری دارد. این امر امکان نقد و بررسی کارشناسانه عملکرد مدیران توسط رسانه‌ها را فراهم می‌کند؛ بستر لازم برای پژوهش‌های دقیق دانشگاهی و تولید داده‌های معتبر را فراهم می‌آورد و در نهایت باعث شناسایی و خنثی‌سازی بسترهای فسادزا و پیش از تبدیل شدن آنها به چالش می‌شود. در نهایت، فوتبال ایران برای گذر از مدیریت سنتی و حاشیه‌ساز به سمت سلامت‌اداری و حرفه‌ای‌گری، بیش از هر زمان دیگری به اطلاعات شفاف و پاسخگوئی مستمر نیاز دارد. هر اندازه که اطلاعات مالی و مدیریتی پنهان بماند، فضای بیشتری برای ابهام و رانت ایجاد خواهد شد.